



## معنای زمینی "اعجاز الهی" !

اعلام نتایج بالماسکه انتخاباتی دور دهم ریاست جمهوری، که خامنه ای با وقاحت ویژه خویش آنرا "اعجاز الهی" قلمداد کرد در بستر تظاهرات گسترده مردم به معضلی جدی برای رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در اعتراض به تقلبات آشکاری که در

اعلام نتایج این شعبده بازی انتخاباتی رخ داد هزاران نفر به خیابانها ریخته و با فریاد "مرگ بر این دولت مردم فریب" و "مرگ بر دیکتاتور" خشم و انزجار خود را از دغلكاریها و تقلبات دولت احمدی نژاد به نمایش گذاشتند. کار تقلب در مضحکه انتخاباتی ۲۲ خرداد آنقدر بالا گرفته است که حال موسوی که ۸ سال نخست وزیر این نظام بوده و سالهاست که عضو فعال مجمع تشخیص مصلت نظام می باشد از "خائنین به آرای مردم" سخن گفته و فریاد سر داده که این نه انتخابات بلکه "شعبده بازی دست اندرکاران انتخابات و صدا و سیما" می باشد. اینکه نخست وزیر دوران "دفاع مقدس" کسی که در طول عمر ننگین رژیم دارو شکنجه جمهوری اسلامی خون مردم ما را در شیشه کرده است، امروز از تقلب در انتخابات سخن می گوید - کسی که خود یکی از متقلبینی است که در ۳۰ سال گذشته با توسل به انواع تقلب در قدرت بوده است - و همچنین این واقعیت که همه همپالگی های موسوی، "اعجاز الهی" ادعائی ولی فقیه را "مهندسی" وزارت کشور اعلام می کنند خود گویای وضعی است که جمهوری اسلامی در آن قرار گرفته است. این وضع بروشنی از یک طرف خبر از حدت اختلافات درونی رژیم را می دهد و از طرف دیگر مبین فقدان مشروعیت مردمی و تلاش آنها بر سوار شدن بر موج نارضایتی توده ها است. رژیم جمهوری اسلامی با علم به فقدان مشروعیت مردمی خود کوشید با توسل به ترفند های گوناگون و "مهندسی" انتخابات دور دهم ریاست جمهوری، بخشی از مردم را به پای صندوق های رای کشیده و توهم داشتن پایگاه مردمی برای خود را در سطح جامعه به نمایش گذاشته و چهره جنایتبارش را بزرگ کند. اما فریب مردم و شرکت بخشی از آنها در این بازی در بستر تقلبات آشکار وزارت کشور به ضد خود تبدیل گشته و اعتراضات مردم به تقلبات انتخاباتی، به سیر رویدادهائی منجر شد که در یک کلام فقدان مشروعیت جمهوری اسلامی را در سطح هر چه گسترده تری به نمایش گذاشت.

خامنه ای که زمانی با وقاحت مدعی بود: "درکشور امام زمان تقلب وجود ندارد" حال تحت ارشادات خود، کار تقلب در به اصطلاح انتخابات اخیر را به آنجا رساند و به

"اعجاز" هائی دست زد که متقلب ترین عناصر این رژیم از آن "اعجاز" ها دادشان بلند شده است.

همین واقعیت که خود دست اندرکاران رژیم و کسانی که شورای نگهبان آنها را برای بازی در بساط انتخابات، منتصب کرده است حال از شعبده بازی ولی فقیه دادشان بلند شده نشان می دهد که نظر کسانی که از آغاز تاکید داشتند که در زیر سلطه دیکتاتوری حاکم رای و اراده توده ها فاقد ارزش می باشد چقدر با واقعیت انطباق داشته است؛ و تاکید بر این که در رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی انتخابات معنا نداشته و جز شعبده بازی دستگاه حاکمه جهت فریب مردم نمی باشد کاملاً بجا بوده و ابراز کنندگان این واقعیات کاملاً محق می باشند.

اهمیت این تاکید در این واقعیت نهفته است که همان تفکراتی که در تقابل با واقعیت مضحکه بودن انتخابات در جمهوری اسلامی مردم را به شرکت در خیمه شب بازی انتخاباتی دعوت می کردند، حال می کوشند تظاهرات و اعتراضات مردم را نتیجه درستی شرکت آنها در انتخابات جا بزنند. در حالیکه آنها وقتی مردم را به بازی در مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی دعوت می کردند هرگز حتی در تصورشان نیز نمی گنجید که مردم با اعتراضات و مبارزات قهرمانانه خویش بساط آن مضحکه را به هم زده و با این کار تضاد های درونی جناح های جنایتکار رژیم را نیز تشدید خواهند کرد. بر عکس، تفکر مورد بحث با دعوت مردم به شرکت در به اصطلاح انتخابات یا در واقع انتصابات رژیم می کوشید با فریب مردم و جلب مشارکتشان در بالماسکه رژیم برای جمهوری اسلامی مشروعیت دست و پا کند. همین ها هستند که در شرایطی که هر روز خبر جدیدی از جنایات مزدوران جمهوری اسلامی در حق مردم بیدفاع ما پخش شده و همه اخبار موید آن است که نیروهای سرکوبگر دیکتاتوری حاکم از هیچ گونه سبعتی بر علیه مردم خود داری نکرده و نمی کنند، مردم را به دادن گل به سرکوبگران خود فرا خوانده و به انحاء مختلف می کوشند که آن مبارزات را در مجرای تنگ اختلافات درونی طبقه حاکم محبوس نمایند.

تعمق در سیر حوادث این روزها دو نکته را با روشنی تمام آشکار می سازد اول اینکه در بستر ۳۰ سال سلطه غارتگرانه سردمداران جمهوری اسلامی پتانسیل اعتراضی عظیمی در پشت سد دیکتاتوری حاکم جمع شده که از هر امکانی جهت در هم شکستن سد سرکوب و جاری شدن در سطح جامعه استفاده می کند، و دوم اینکه به دلیل فقدان یک جنبش انقلابی سراسری و نبودتشکل انقلابی رهبری کننده جنبش، جناح های درونی رژیم با دست باز تری در تلاش اند تا انرژی انقلابی مردم را وسیله تصفیه حسابهای خود نموده و با به انحراف کشاندن مبارزات مردم آنها را از رسیدن به هدف اصلی شان که همانا سرنگونی قطعی جمهوری اسلامی است باز

دارند. در چنین شرایطی نیروهای انقلابی وظیفه دارند با توجه به همه این پارامترها در حالیکه ماهیت ضد مردمی همه دارو دسته های حکومتی و طرفداران فریکارانه آنها را افشاء می کنند از هر فضای ممکن جهت متشکل کردن خود و مردم سود جسته و راه شکل گیری یک رهبری انقلابی را هموار نمایند. نیرو های انقلابی باید مبلغ این واقعیت باشند که در آستانه هر نوسازی عمومی جامعه ، همواره مسئله این گونه آشتی ناپذیر مطرح خواهد شد: "مبارزه یا مرگ، جنگ خونین یا نیستی"

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران

۲۷ خرداد ۱۳۸۸ - ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۹